

فعل مرکب

با «فعل مرکب» چه کنیم؟!

اشاره:

یکی از گره‌گاه‌های آموزش در کتاب «فعل مرکب» است. بحثی که در سال نخست در گرفت و هنوز هم بی‌خام و فرجامی روشمند دست نیافته است. از آن جا که این گوی اند و ما دبیران نیز همواره در پی آشنایی و درک عمیق‌تر این درس‌ها را ساده و نموداری و قابل دریا و پذیرش برای ذهنیت دانش آموز بسازیم، هر کوششی که برای کاربردی نمودن درس‌ها صورت گیرد، درخور توجه است. نویسنده نیز یافته‌ی چندساله‌ی خود را که از چند و چون با دانش آموزان و گفت و گو با دبیران محترم در کلاس‌های ضمن خدمت به دست آورده است، با شرح و گزارش کامل درس به همراه چند روش پیشنهادی با نمونه‌های فراوان برای هر قسمت فرایش می‌نهد؛ به آن امید که گامی در ساده‌تر کردن روش آموزش و شیوه‌ی به کارگیری آن در زبان فارسی برداشته باشد.

پیش در آمد:

می‌دانیم که زبان یک پدیده‌ی اجتماعی است و در میان جامعه‌ی انسانی (گویوران یک زبان) به کار گرفته می‌شود. از آن جا که زندگی مردم بر پایه‌ی باورها و آیین‌های سنتی و کهن - که ریشه در ناخودآگاهی تباری آن‌ها دارد - سامان می‌یابد، تمام کارکردهای دیگر نیز رویکردی آیینی و باورشناختی به خود می‌گیرند. زبان هم، چنین است. اگر به پیکره‌ی زبان بنگریم، درمی‌یابیم که از پاره‌های آزاد به نام واژه، ساخت و سازی بسامان می‌پذیرد و هر واژه معنایی و اندرونه‌ای برای خود به همراه دارد که بر بنیاد بافت‌های زبانی و جایگاه کاربستی، دچار دگرگونی و گشتار نیز می‌گردد. آنچه باید در این جا بدان اندیشید و از روی باریک بینی بر آن پای فشرد این است که از دید معنی‌شناسی، برخی واژگان کارکردی افسونی و رازناک به خود می‌گیرند و گاهی چهره‌ای فراسویی پیدا می‌کنند. بنابراین واژه‌ها چهره‌ای فرهنگی - آیینی و سرانجام این که تبارنامه و شناسنامه‌ای برای خود دارند. ناگفته نماند که این شناسنامه‌ی واژه‌ها چون با باورداشت‌های مردمی و هنجارهای سنت و آداب یک جامعه پیوند می‌یابد، ساخت و سیمایی همسو با آن پیکره‌ی فکری و فرهنگی اجتماع می‌یابد. این که چرا دو جمله‌ی: «پروانه شوهر کرد.» و «پرویز زن گرفت.» با دو فعل: «کرد و گرفت.» کاربرد پیدا می‌کند، به گمانم سبب آن را باید در باور زندگی اجتماعی جست و جو کرد؛ یعنی با رویکردی

جامعه‌شناختی به بررسی پدیده‌ی زبان پرداخت و هر جمله را با همان پیکره‌ی معنایی و عناصر سازنده‌اش در جایگاه خاص خود مطالعه کرد. زیرا زبان پدیده‌ای زایا و شناور است و هر بار به شکلی دیگر چهره می‌نماید.

آموزش فعل مرکب:

اگر به فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تک واژ آزاد اضافه شود، فعل مرکب به دست می‌آید. فعل مرکب دو ویژگی دارد که برای تشخیص فعل ساده از مرکب توجه بدان لازم است:

- ۱- گسترش پذیر نیست. ۲- جزء همراه فعل، نقش پذیر نیست.

یعنی اگر جزء همراه با پذیرفتن عناصری دیگر، گسترش یابد یا نقش نحوی بپذیرد، فعل مرکب نخواهد بود؛ مثلاً «حرف زد» به این دلیل فعل مرکب نیست که می‌توان گفت «حرف جالبی زد» یا «حرفی زد»؛ بنابراین، «حرف» در این مثال مفعول است و چون نقش پذیرفت، نمی‌توان آن را جزئی از فعل مرکب شمرد.

۱- مقصود از «گسترش پذیری» آن است که بتوان پسوندهای (ها، تر، ی) را بین دو جزء فعل آورد. یعنی به جزء غیر صرفی فعل افزود.

پس هرگاه بتوانیم این پسوندها را در آن بافت به کار ببریم، فعل مورد نظر مرکب نیست، بلکه ساده به شمار می‌آید. مثلاً:

- دوستم با معلمش مصاحبه کرد / مصاحبه ای کرد.
(مصاحبه مفعول است و «کرد» فعل ساده به معنی انجام داد.)
- آن پهلوان برای حفظ حرمت، سوگند خورد. / سوگندها خورد.
(سوگند مفعول و خورد فعل ساده است به معنی به جا آورد، انجام داد.)

- به نام دوست سخن گفت / سخن ها گفت. (سخن نقش مفعولی دارد و گفت فعل ساده است.)
- با حرف های خود کارها را خراب کرد / خراب تر کرد.
(خراب مسند است و کرد فعل ساده به معنی: نمود، ساخت و گرداند.)

- ورزشکاران برای مردم، پیام فرستادند / پیامی فرستادند.
(پیام مفعول است و فرستادند فعل ساده به شمار می آید.)
- هرکس در این کار رنج می برد / رنج ها می برد. (رنج مفعول است و می برد فعل ساده است.)
- خورشید بالا آمد / بالاتر آمد. (آمد فعل ساده و بالاتر قید است.)

۲- نقش پذیری:

در نمونه های بالا دیدید که جزء اول (غیر صرفی) فعل نقش دستوری هم پذیرفته است. این گونه فعل ها ساده اند. پس راه دیگر برای پی بردن ساختمان فعل مرکب، توجه به نقش پذیر نبودن جزء غیر صرفی آن است.
اکنون به نمونه های زیر توجه کنید:

- خورشید از مشرق پدید آمد. (نمی توان گفت: پدیدها، پدیددی یا پدیدتر. پس «پدید آمد» فعل مرکب است.)
- محبت خویش را از ما دریغ کرد. (چون «دریغ کرد» قابل گسترش نیست، فعل مرکب است.)

- در این ایام، حوادث مهمی رخ داد. («رخ داد» در این جمله با هیچ یک از نشانه ها، گسترش پذیر نیست، پس مرکب است.)

- هرکس میهن خود را دوست دارد. («دوست دارد» در این جمله فعل مرکب است.)

- فرهاد کار خود را آغاز نمود. («آغاز نمود» چون در این جمله گسترش نمی پذیرد. فعل مرکب است.)
- فرماندهی سپاه، دشمنان خود را گول زد. («گول زد.» در این جمله فعل مرکب است.)

* توجه (۱)

نکته ی مهم در این است که باید فعل مرکب را در جمله ای که به کار رفته است، در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد. زیرا ممکن است کاربرد آن فعل در جمله ای دیگر متفاوت باشد. به نمونه های زیر توجه کنید:

- من در این کلاس، دوست ها دارم. («دوست» گسترش پذیرفته و مفعول است و «دارم» فعل ساده است.)

- چنگیز در بخارا، اعدام ها کرد. («اعدام» گسترش پذیرفته و مفعول است. «کرد» فعل ساده است به معنی انجام داد.)

- من درس زبان فارسی را دوست دارم. («دوست دارم»، در این جمله قابل گسترش نیست، پس مرکب است.)

- چنگیز در شهر بخارا، انسان های زیادی را اعدام کرد. (در این جمله «اعدام کرد»، گسترش نمی پذیرد و فعل مرکب نیست.)

- بنابراین باید هر فعل را در جمله ی مورد نظر خود، بررسی کنیم و با توجه به ساختار و کاربرد آن داورى نماییم و از قضاوت درباره ی فعل های بیرون از جمله بپرهیزیم.

* توجه (۲)

عبارت ها و ترکیب های کنایی، «فعل مرکب» به شمار می آیند، مانند:

- او هرگز دست از پا خطا نمی کند. («دست از پا خطا کردن». کنایه است از: اشتباه کردن.)

- فرهاد از انجام تکلیف های خود سر باز زد. («سر باز زدن». کنایه است از: نپذیرفتن و خودداری کردن است.)

- او از خواسته هایش چشم پوشید. («چشم پوشیدن». کنایه است از صرف نظر کردن و نادیده گرفتن است.)

- سرانجام، دیده از دیدار آفرینش فرویست. («دیده از دیدار آفرینش فرویستن». کنایه از مُردن است).

- او نیز در پوستین خَلق افتاد. («در پوستین کسی افتادن» کنایه از عیب جویی و غیبت کردن است).

- با این اعمال در پیشگاه الهی، زرد روی می شوی. («زرد روی شدن». کنایه از شرمندگی و خجلت است).

- ای بیهوده گو؛ زبان درکش. («زبان درکشیدن» کنایه از سکوت و خاموشی گزیدن است).

پس عبارت های کنایی از دید عناصر سازه ای مورد نظر نیستند بلکه کل مجموعه ی واژگانی که یک مفهوم کنایه ای را پدید می آورند به عنوان یک پیکره سنجیده می شوند، به همین سبب در ساخت های کنایی جداسازی یک واژه و بررسی نحوی آن بیرون از ساختمان کنایی کاری نادرست است. از آن جا که کنایه ها در زبان فارسی همواره در ساخت جمله و عبارت نمایان می شوند، از دید مفهوم نیز باید توجه کنیم که تمام آن پیکره، پیامی واحد را بیان می نماید.

فعل های دیگر:

- او، مردم را اغفال کرد. («اغفال کرد». در این جمله قابل مفعول فعل مرکب

گسترش نیست و پیش از آن هم مفعول به کار رفته است پس مرکب است.)

- او درباره ی این موضوع تلاش کرد. («کرد» به معنی انجام داد فعل ساده و تلاش مفعول آن است).

- مردم همواره، کار می کنند. («می کنند» به معنی انجام می دهند و «کار» مفعول آن است).

- خبرنگار ما با مصاحبه کرد. مفعول فعل ساده

* روش پیشنهادی: (۱)

برای تشخیص فعل مرکب، کتاب دو شیوه را به ما آموزش داد (۱) - گسترش پذیری ۲ - نقش پذیری).

اکنون ما یک راه ساده و کاربردی را برای شناخت فعل مرکب پیشنهاد می کنیم و آن روش «مفعول پذیری» است. یعنی هرگاه ترکیب های فعلی را در جمله هایی یافتید و نمی دانید که ساده اند یا مرکب، به کلمات پیش از آن بازگردید، اگر نقش مفعولی در آن جمله به کار رفته است ترکیب پایانی جمله حتماً فعل مرکب است. در غیر این صورت جزء غیر صرفی فعل، خود، نقش مفعولی می پذیرد و فعل ساده به شمار می آید. به نمونه ها توجه فرمایید.

مرکب: فریدون کتاب داستان را مطالعه کرد. (در این جمله «مطالعه کرد» قابل گسترش نیست و پیش از آن مفعول وجود دارد پس مرکب است)

مطالعه کردن

مرکب: فریدون کتاب داستان را مطالعه کرد. (در این جمله «مطالعه کرد» قابل گسترش نیست و پیش از آن مفعول وجود دارد پس مرکب است)

ساده: فریدون درباره ی کاوه ی آهنگر مطالعه ای کرد. (در این جمله فعل «کرد» ساده است به معنی انجام داد به کار رفت و «مطالعه» نقش مفعولی دارد).

درس دادن

مرکب: حضرت علی (ع) مردانگی و آزادی را به ما درس داد.

ساده: حضرت علی (ع) با رفتار خود به ما درس داد. (درس ها / درس داد).

دوست داشتن

مرکب: من سال ها شما را دوست داشتم.

ساده: من سال ها پیش در این روستا دوستی داشتم.

اعدام کردن

مرکب: او، بی گناهان را اعدام کرد.

ساده: او، اعدام ها کرد.

- مبصر، اسم بیچه‌ها را یادداشت کرد.
مفعول فعل مرکب

- خیلی زود همه جا را واری کردند.
مفعول فعل مرکب

یادآوری:

این روش پیشنهادی ما، فقط در مورد جمله‌های غیر اسنادی است. زیرا فعل جمله‌های اسنادی چهار جزئی (مفعولی و مسندی) که در آن‌ها «مفعول» به کار رفته است، با جزء غیر صرفی خود که نقش «مسندی» می‌گیرد، «مرکب» نیست بلکه فعل ساده به شمار می‌آید. مانند:

- او خود را فاضل می‌داند.
مفعول مسند فعل ساده

- خورشید همه جا را روشن ساخت.
مفعول مسند فعل ساده

- دود، فضای شهر را آلوده نمود.
مفعول مسند فعل ساده

- برف، طبیعت را سفید گرداند.
مفعول مسند فعل ساده

- غرض، دوستی‌ها را تیره می‌سازد.
مفعول مسند فعل ساده

- او حقیقت را آشکار کرد.
مفعول مسند فعل ساده

- هوشنگ، صدایش را بلند کرد.
فعل ساده

توجه: همه‌ی این جمله‌ها قابل بازگشت به سه جزئی اسنادی یا فعل «است» می‌باشند.

* روش پیشنهادی (۲)

فعل‌هایی که با جزء صرفی «کرد» به کار می‌روند، معمولاً به چند صورت ظاهر می‌شوند. از آن‌جا که این فعل پرکاربردترین جزء صرفی در زبان فارسی است، شناخت گونه‌های آن هم دشوار و مهم است.

گاهی اسنادی است و معادل فعل‌های: نمود، گرداند، ساخت.
گاهی فعل ساده‌ی غیراسنادی است (در این صورت معمولاً به معنی «انجام داد» به کار می‌رود)
گاهی با جزء غیر صرفی خود ترکیب می‌شود و فعل مرکب می‌سازد.

- برف، هوا را سرد کرد / نمود / گرداند / ساخت.
فعل اسنادی - ساده

- آرش، دست‌هایش را بلند کرد.
فعل ساده، اسنادی

- او با من مصاحبه کرد.
فعل غیراسنادی - ساده

- رضا لذت درس خواندن را درک کرد.
فعل مرکب

- پروانه این درس را پاس کرد.
فعل مرکب

از میان گونه‌های کاربردی فعل «کرد» معمولاً نوع اسنادی با گونه‌ی مرکب با هم اشتباه می‌شوند و شناخت آن‌ها دشوارتر است. پیشنهاد ما برای بازشناسی این دو نوع این است که اگر جمله‌ی موردنظر را بتوان به یک جمله‌ی سه جزئی یا فعل «است» یا «هست»، برگرداند، آن جمله اسنادی است و فعل آن ساده می‌باشد، در غیر این صورت؛ یعنی اگر نتوان آن جمله‌ی اصلی را به یک جمله‌ی سه جزئی اسنادی یا فعل «است» تبدیل کرد، پی‌می‌بریم که فعل آن جمله مرکب است. مثال:

- رادیو، اخبار را اعلام کرد. (چون نمی‌توان گفت: «اخبار اعلام است» پس فعل «اعلام کرد» مرکب است).
- معلم، دانش‌آموز را آگاه کرد. («دانش‌آموز آگاه است» پس فعل این جمله ساده است و آگاه مسند است).

- رازی الکل را کشف کرد. (نمی‌توان گفت: «الکل کشف است». پس «کشف کرد» فعل مرکب است).

- شهردار، این موضع را عنوان کرد. (چون جمله‌ی: «موضوع عنوان است» کاربرد ندارد و درست هم نیست پس فعل «عنوان کرد» در این عبارت مرکب است).

- دانش‌آموز، تخته را پاک کرد. (جمله‌ی: «تخته پاک است» صحیح است و کاربرد دارد، پس فعل «کرد» ساده است و کلمه‌ی پاک نقش مسندی دارد).

- طوفان شهر را خراب کرد. (چون می‌توان گفت: «شهر خراب است» پس از این جمله «کرد» فعل ساده است).